

شخصیت ضد اجتماعی؛

نقش خلق و خو، سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

علی عسگری / کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ a.asgari8853@gmail.com

نادر منیرپور / استادیار روان‌شناسی سلامت دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم monirpoor1357@yahoo.com

حمیدرضا حسن‌آبادی / استادیار روان‌شناسی تربیتی گرایش آمار و روش‌شناسی تحقیق دانشگاه خوارزمی

دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۸

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی برازش مدل تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی بر اساس طرح‌واره ناسازگار اولیه، سبک‌های فرزندپروری و خلق و خو بود. در این پژوهش، ۴۱۲ دانشجو (۲۴۴ پسر و ۱۶۸ دختر) از دانشگاه‌های شهر قم به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های چندمحوری میلون-۳ (MCMI-III)، طرح‌واره‌ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF)، فرزندپروری یانگ (YPI) و خلق و خوی کلونینجر (TCI) را تکمیل کردند. داده‌ها با روش تحلیل عامل اکتشافی، تأییدی و معادلات ساختاری بررسی شد. اعتبار و روایی ابزارها، تأیید و مدل ساختاری، از شاخص‌های برازندگی مطلوب و رضایت‌بخشی در نمونه پژوهش برخوردار بود. نتایج نشان داد که ضرایب مسیر مستقیم سبک‌های فرزندپروری و خلق و خو، به اختلال شخصیت ضداجتماعی معنا دارند. اما ضرایب مسیر معرف نقش واسطه‌ای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه معنادار نبودند. علی‌رغم توان بالای سبک‌های فرزندپروری و ابعاد خلق و خو در تبیین شخصیت ضداجتماعی، نقش واسطه‌ای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بین سبک‌های فرزندپروری و خلق و خو، با شخصیت ضداجتماعی معنادار نبودند. معنادار نبودن نقش واسطه‌ای طرح‌واره‌ها، احتمالاً ناشی از متناظر بودن سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌ها و همبستگی بالای آنهاست.

کلیدواژه‌ها: شخصیت ضداجتماعی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های فرزندپروری، خلق و خو، مدل ساختاری.

مقدمه

از منظر قرآن کریم، انسان بر اساس شاکلهٔ خویش عمل می‌کند؛ یعنی انتخاب‌ها، رفتارها، واکنش‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها و چگونگی ابراز عواطف، ریشه در شخصیت و هویت وی دارد. شخصیت سالم، منشأ رفتارها و عواطف مثبت و سازنده است. شخصیتی که از سلامت برخوردار نیست، منشأ رفتارهای غیرمنطقی و ناشایسته است (موسوی و متقی فر، ۱۳۹۰). برخی نیز با توجه به آیه: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلیٰ شَکَّاتِهِ» (اسراء: ۸۴)، شاکله را معادل «شخصیت» در روان‌شناسی می‌دانند و در تعریف آن می‌نویسند: «شاکله به مجموعه‌ای از نیات، خلق و خوی، حاجات، طرق و هیئت روانی انسان گفته می‌شود» (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). «شخصیت» حوزه بسیار گسترده‌ای است؛ زیرا شخصیت خود موضوعی است پیچیده و دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است. روان‌شناسان برای شناخت شخصیت انسان، از دیرباز کوشش‌های فراوانی به عمل آورده‌اند. در تعریف شخصیت، می‌توان به الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر، که چگونگی سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کنند اشاره نمود (اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۷۳).

با توجه این تعریف، شخصیت ممکن است سازگار و یا ناسازگارانه باشد؛ ناسازگاری زمانی است که افراد قادر نباشند تفکر و رفتار خود را با محیط و تغییرات آن تطبیق دهند. سازگاری یا عدم سازگاری، ارتباط نزدیکی با انعطاف‌پذیری دارد. یک شخصیت سالم، با وجود ثبات و پایداری به میزانی از انعطاف‌پذیری بهره می‌برد. اما افراد ناسازگار، در برخورد با موقعیت‌هایی که واکنش به آنها مستلزم تغییرات و تصمیمات جدید است، تفکر و رفتار انعطاف‌ناپذیری از خود بروز می‌دهند. بنابراین، اختلال شخصیت، یعنی رفتارهای ناسازگار و انعطاف‌ناپذیر در برخورد با محیط و موقعیت‌ها (اسکودل (Skodol) و همکاران، ۲۰۱۱).

اختلال شخصیت، یک بیماری شایع و مزمن است که شیوع آن بین جمعیت عمومی ۱۰-۱۵ درصد تخمین زده می‌شود (شوراکیک (Svrakic) و همکاران، ۲۰۰۲). در این میان، اختلال شخصیت ضداجتماعی، بیشتر از سایر اختلالات شخصیت مورد مطالعه قرار گرفته است. اختلال شخصیت ضداجتماعی، یک الگوی مکرر و مداوم رفتارهای مجرمانه یا جنایی است که در کودکی یا اوایل نوجوانی شروع می‌شود و همهٔ جنبه‌های زندگی فرد را دربر می‌گیرد (کلونینجر (Cloninger)، ۲۰۰۵، ص ۲۰۶۴). راهنمای آماری و تشخیصی بیماری‌های روانی (DSM IV-TR)، اختلال شخصیت را به عنوان الگوهای رفتاری ناپهنجاری تعریف می‌کند که خود را حداقل در دو زمینه، از چهار زمینهٔ

شناختی، عاطفی، عملکرد میان‌فردی و کنترل تکانه بروز می‌دهد. بر طبق ملاک‌های (DSM-IV-TR)، هنگامی که الگوی بی‌اعتنایی و زیر پا نهادن حقوق دیگران که از ۱۵ سالگی شروع شده و با دست‌کم سه مورد از خصوصیات ناسازگاری با موازین اجتماعی، فریب‌کاری، رفتار تکانشی، تحریک‌پذیری و پرخاشگری، بی‌احتیاطی نسبت به ایمنی خود و دیگران، عدم احساس مسئولیت، فقدان پشیمانی همراه باشد، اختلال ضداجتماعی تشخیص داده می‌شود.

مدل‌های سبب‌شناسی اختلال شخصیت ضداجتماعی، به درجات مختلف بر نقش صرف وراثت یا محیط و یا تعامل آنها تأکید نموده‌اند. برای نمونه، برخی پژوهش‌ها ادعا کرده‌اند که عوامل ژنتیکی، ۴۰ تا ۵۰ درصد از رفتار ضداجتماعی را تبیین می‌کنند (مفیت (Moffitt)، ۲۰۰۵). در مقابل، برخی مطالعات، بر نقش خانواده و والدین و سبک‌های فرزندپروری صحنه گذاشته‌اند (استینبرگ (Steinberg) و همکاران، ۱۹۹۴؛ ساندرز، ۲۰۰۲؛ چلپی و روزبهنی، ۱۳۸۰). در این میان، اغلب پژوهشگران بر تعامل وراثت و محیط تأکید می‌کنند.

در پژوهش‌ها، متغیرهای مختلفی مورد توجه بوده‌اند. از مهم‌ترین آنها، متغیرهای شناختی هستند (وارد و همکاران، ۲۰۰۶؛ گنون و همکاران، ۲۰۰۶). قدیمی‌ترین ساختارهای شناختی، طرح‌واره‌ها هستند (بک (Beck) و همکاران، ۱۹۹۰، نقل از اسویتز (Switzer)، ۲۰۰۶؛ یانگ، ۱۳۸۴، ص ۱۰). طرح‌واره‌ها، که الگوهای شناختی و هیجانی خودآسیب‌رسانی هستند، و از جریان اولیه رشد آغاز شده و در طول زندگی تداوم می‌یابند، در رؤیاری با محرک‌های جدید، بر پایه ساختار پیشین خود، اطلاعات به‌دست آمده را سرنده، رمزگردانی و ارزیابی می‌کنند (جکوین (Jacquin)، ۱۹۹۷، ص ۴۹۹؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ نورداهل (Nordahl) و همکاران، ۲۰۰۵).

با توجه به تنوع متغیرهایی که در علوم مختلف، در رابطه با اختلال شخصیت ضداجتماعی مورد بررسی گرفته‌اند، این متغیرها با مدل‌های مختلفی قابل تبیین هستند؛ یکی از مدل‌های یکپارچه‌نگر پویشی و روان‌شناختی که اخیراً برای تبیین اختلالات و مشکلات روانی اجتماعی تدوین شده، مدل طرح‌واره‌درمانی یانگ است. یانگ، اصول و مبانی مکتب‌های شناختی - رفتاری، دلبستگی گشتالت (Gestalt)، روابط موضوعی، سازنده‌گرایی و روان‌تحلیل‌گری را در قالب یک مدل درمانی و مفهومی ارزشمند تلفیق کرده است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۳). بر اساس این مدل، طرح‌واره‌های شکل‌گیری، تداوم و عود مشکلات و اختلالات روانی را تبیین می‌کنند (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷). بر اساس نظریه یانگ، ریشه تحولی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در تجارب ناگوار دوران کودکی

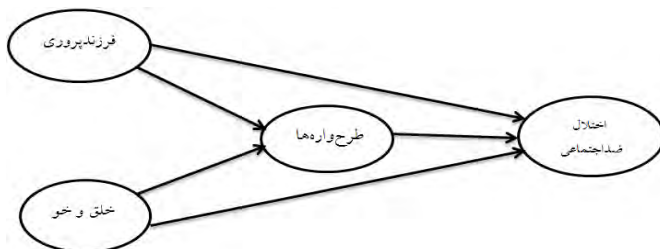
نهفته است. به دلیل ارضا نشدن، نیازهای هیجانی اساسی به وجود می‌آیند (همان، ص ۳۲). طرح‌واره‌هایی که زودتر شکل می‌گیرند و معمولاً قوی‌تر هستند، از خانواده‌های هسته‌ای نشأت می‌گیرند (همان). از این رو، به دنبال مطالعات انجام شده بر روی نظریه یانگ، پژوهش‌ها ارتباط معناداری بین سبک فرزندپروری والدین و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به دست آورده‌اند. سبک‌های فرزندپروری، ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین با کودک هستند که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می‌آورند (برک لورا (Berk Laura)، ۱۳۸۷، ص ۴۸۰). در مطالعه شهامت و همکاران (۱۳۸۹)، اکثر طرح‌واره‌های ناسازگار با طرد از سوی پدر و مادر ارتباط معناداری داشتند. سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای سطوح پایین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بودند. رایت (Wright) و همکاران نیز نشان داده‌اند که سبک والدینی بر طریقه شکل‌گیری طرح‌واره‌ها و در آسیب‌شناسی روانی بعدی افراد، از جمله اختلال شخصیت اثر دارد (شهامت و همکاران، ۱۳۸۹).

از عوامل دیگر شکل‌گیری طرح‌واره‌ها، خلق‌وخوی کودک است؛ خلق‌وخو جنبه‌ای از ساختار کلی فرد است که با گرایش به الگوهای خاص واکنش‌های هیجانی، تغییرات خلق و سطوح حساسیت حاصل از تحریک مشخص می‌شود. بسیاری آن را یک گرایش ژنتیکی تصور می‌کنند (ریبر (Reber)، ۱۳۹۰، ص ۹۵۲). خلق‌وخوی کودک، در تعامل با وقایع دردناک دوران کودکی، منجر به شکل‌گیری طرح‌واره‌ها می‌شود. خلق‌وخوهای متفاوت، کودکان را در معرض شرایط گوناگونی قرار می‌دهد؛ چرا که کودکان ممکن است به دلیل خلق‌وخوهای متفاوت، در مقابل رفتار مشابه والدین خود، واکنش‌های کاملاً متفاوتی نشان دهند. در مقابل شرایط زندگی یکسان، به طور متفاوتی آسیب‌پذیر گردند (رضاییان، ۱۳۹۴، ص ۵۴). از این نظر، اکثر خلق‌وخوها مادرزادی‌اند و نسبتاً غیرقابل تغییر (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

علاوه بر ارتباط ابعاد خلق‌وخو با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، پژوهش‌ها بر رابطه مستقیم رفتارهای ضداجتماعی و ابعاد خلق‌وخو نیز تأکید دارند (ر.ک: پومرلیو (Pomerleau) و همکاران، ۱۹۹۲؛ اتر (Etter) و همکاران، ۲۰۰۳؛ اورن و همکاران، ۲۰۰۷).

مدل مفهومی

با توجه به پژوهش‌های انجام شده، به نظر می‌رسد بتوان با توجه به تعامل بین ویژگی‌های سرشتی و سبک‌های فرزندپروری و نقش این دو در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از یک‌سو، و تأثیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در ایجاد و تداوم برخی اختلالات شخصیتی، از جمله اختلال شخصیت ضداجتماعی، مدل مفهومی (نقش تعاملی سبک‌های فرزندپروری و ابعاد خلق‌وخو با اعمال نقش میانجی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، در تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی)، زیر را مورد بررسی قرار داد.



شکل ۱. مدل مفهومی تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی بر اساس طرح‌واره، سبک فرزند‌پروری و ابعاد خلق و خوی

با وجود اهمیت موضوع اختلال شخصیت ضداجتماعی، بخصوص ارتباط آن با جرم و پیامد آن بر فرد، خانواده و جامعه، این مفهوم در پژوهش‌های روان‌شناختی، دارای جایگاه ویژه و شامل جنبه‌های ناشناخته‌ای است که عرصه‌ای باز برای تحقیقات بیشتر است. در بررسی مطالعات بومی و خارج از کشور، پژوهشی که به بررسی روابط ساختاری متغیرهای پیش‌بینی‌کننده اختلال شخصیت ضداجتماعی پرداخته باشد، به دست نیامد. مطالعات انجام شده، صرفاً منحصر به بررسی روابط برخی از متغیرهای دیگر است. درحالی‌که جنبه پیش‌بینی و ارائه مدلی برای استفاده در پیشگیری و درمان این معضل در آنها، کمتر مورد توجه بوده است. همچنین در بررسی‌ها، پژوهشی که مدل مفهومی یانگ و میانجی‌بودن طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه درباره مفهوم شخصیت ضداجتماعی مورد پژوهش میدانی قرار دهد، مشاهده نشد. بنابراین، در این پژوهش با توجه به پیشینه موجود و در چارچوب نظریه یانگ، مدل مفهومی پیشنهاد می‌شود که مورد آزمون قرار گیرد. در واقع، این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال است که مدل ارائه شده از نکویی‌برازش برای تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی برخوردار است یا خیر؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع غیرآزمایشی و با روش همبستگی است. داده‌های این مطالعه از نظر روش شناختی، با استفاده از مدل‌یابی معادله ساختاری مورد بررسی قرار گرفته و نکویی‌برازش مدل ارائه شده است. در روش مدل‌یابی، معادله ساختاری، علاوه بر بررسی وجود همبستگی بحث‌علیت و جهت این همبستگی را هم تعیین می‌کند (سرمد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۷۷).

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه‌های سراسری و آزاد شهر قم، در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ بودند. بر اساس بررسی‌ها از طریق سامانه اینترنتی دانشگاه قم و استعلام از معاونت پژوهش دانشگاه آزاد واحد قم، حدود ۱۴۵۰۰ دانشجو در این سال در این دو دانشگاه در حال تحصیل بودند.

حجم نمونه: با توجه به استفاده از روش مدل‌یابی معادله ساختاری در این پژوهش، برخی منابع پیشنهاد می‌کنند به ازای هر پارامتر، که وارد تحلیل می‌شود، ۱۰ مورد انتخاب شود. ضمن اینکه، تعداد

نمونه کمتر از ۲۰۰ نمونه نباشد (میرز و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۵۰). با توجه به تعداد پارامترهای وارد تحلیل شده (شامل ضرایب رگرسیون، واریانس‌ها و کواریانس‌های متغیرهای نشانگر، مکنون و روابط بین این متغیرها و ضرایب خطای آنها) و پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، اطلاعات ۴۱۲ شرکت‌کننده (۲۴۴ پسر و ۱۶۸ دختر) وارد مرحله تحلیل شد.

نمونه آماری مورد پژوهش، از میان جامعه مذکور با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای گردآوری شد. ضمن اینکه، پس از خوشه‌بندی چندمرحله‌ای بر اساس مقطع و رشته تحصیلی نمونه‌گیری شد. در جدول ۱ مقطع و جدول ۲ رشته تحصیلی ذکر شده است.

جدول ۲. شرکت‌کننده‌ها به تفکیک رشته تحصیلی

درصد	تعداد	رشته تحصیلی
۴۶/۴	۱۹۱	علوم انسانی
۳۳	۱۳۶	فنی - مهندسی
۲۰/۴	۸۴	تجربی
۰/۲	۱	هنر
۱۰۰	۴۱۲	کل

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان

سطح تحصیلات				
گروه	فوق‌دیپلم	لیسانس	فوق‌لیسانس	دکتری
تعداد	۳۷	۲۸۸	۸۳	۴
درصد	۹	۶۹/۹	۲۰/۱	۱

در این پژوهش، چهار پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت که عبارتند از:

مقیاس شخصیت ضداجتماعی آزمون بالینی چندمحوری میلیون ۳: این پرسش‌نامه، اولین بار در آگوست ۱۹۹۴ در گردهمایی انجمن روان‌شناسی امریکا معرفی شده است (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۲۸) و یک مقیاس خودسنجی است و برای تصمیم‌گیری بالینی و تشخیص ابتلای آزمودنی، به یک اختلال ویژه یا حضور ویژگی روان‌شناختی ویژه‌ای در آزمودنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این آزمون، دارای ۱۷۵ گویه بلی/خیر است. اجرای آن حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه زمان می‌برد. یازده الگوی بالینی شخصیت و نشانگان بالینی را می‌سنجد و برای بزرگسالان ۱۸ سال به بالا استفاده می‌شود. الگوهای بالینی شخصیت در آزمون بالینی، چندمحوری میلیون سه شامل یازده زیرمقیاس است (همان، ص ۱۳). این آزمون در شهر اصفهان، توسط شریفی در سال ۱۳۸۱ هنجاریابی شده است. در مطالعه شریفی در شهر اصفهان همبستگی نمره‌های خام نخستین اجرا و بازآزمایی در دامنه‌ی ۰/۸۲ (اختلال هذیانی) تا ۰/۹۸ (اختلال شخصیت اسکیزوئید) گزارش شده است (فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱). همچنین، در مطالعه بالا پایایی آزمون از راه روش همسانی درونی محاسبه شده است. ضریب آلفای مقیاس‌ها در دامنه ۰/۸۵ (اختلال وابستگی به الکل)، تا ۰/۹۷ (اختلال استرس پس از ضربه) به دست آمده است.

در این پژوهش، از خرده‌مقیاس ضداجتماعی این آزمون که شامل ۱۷ گویه است، استفاده شد. ضریب آلفای این مقیاس در مطالعه شریفی ۰/۹۶ به دست آمده است (همان).

پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ - فرم کوتاه (YSQ-SF): این پرسش‌نامه، دارای ۷۵ ماده است که توسط یانگ و براون (Brown) (۱۹۹۴) برای ارزیابی پانزده طرح‌واره ناسازگار اولیه طراحی شد. هر متغیر بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و هر ۵ سؤال یک طرح‌واره را می‌سنجد. بررسی‌های متعددی از جمله بارانوف (Baranoff) و همکاران (۲۰۰۶)، سسرو و همکاران (۲۰۰۴)، ریج‌کبور (Rijkeboer) و همکاران (۲۰۰۶) و ولبرن (Welburn) و همکاران (۲۰۰۲)، درباره ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه انجام شده است. اولین پژوهش جامع درباره ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه توسط شمیت (Schmidt) و همکاران (۱۹۹۵) در نمونه‌ای ۱۵۶۴ نفری انجام شد. در این پژوهش، برای هر طرح‌واره ناسازگار اولیه ضریب آلفایی از ۰/۸۳ (برای طرح‌واره خود تحول ناپافته/ گرفتار) تا ۰/۹۶ (برای طرح‌واره نقص/ شرم) به دست آمد. ضریب بازآزمایی در جمعیت غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. در ایران، در پژوهشی که توسط آهی و همکاران (۱۳۸۶) برای بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه مقیاس یانگ (فرم ۷۵ سؤالی) بر روی دانشجویان انجام شد، نشان می‌دهد که اعتبار پرسش‌نامه به دو شیوه همسانی درونی آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب، ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود. صدوقی و همکاران (۱۳۸۷) و آهی و همکاران (۱۳۸۶) ساختار عاملی و روایی سازه آن را تأیید کرده‌اند. ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷) فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ را روی ۷۰ نفر از زوجین اجرا کردند. در پژوهش آنها، ضریب همسانی درونی پرسش‌نامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۴ و برای پنج حوزه آن، به این شرح به دست آمد: بریدگی و طرد: ۰/۹۱، خودگردانی و عملکرد مختل: ۰/۹۰، محدودیت‌های مختل: ۰/۸۳، جهت‌مندی دیگرسو: ۰/۶۷ و بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی: ۰/۷۸.

پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری یانگ (YPI): یانگ (۱۹۹۴) این مقیاس را که یک ابزار خودگزارشی با ۷۲ گویه است، برای شناسایی ریشه‌های دوران کودکی طرح‌واره‌ها طراحی کرده است. در این پرسش‌نامه، پاسخ‌دهندگان والدین خود را، بر اساس نوع رفتاری که با وی داشته‌اند، در یک مقیاس شش درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کنند. در ایران، فرم اصلی YPI را یزدان دوست، عاطف وحید و صلواتی ترجمه و ترجمه مجدد کرده، سپس بر روی ۶۰ دانشجوی اجرا نموده‌اند. با استفاده از روش دنیسه‌سازی، برای فرم مادر ضریب پایایی ۰/۶۹ و برای فرم پدر ضریب پایایی ۰/۸۰ به دست آمد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۷). برای بررسی روایی سازه پرسش‌نامه فرزندپروری یانگ، همبستگی میان نمرات این ابزار و پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین نمرات این دو مقیاس، همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، پرسش‌نامه فرزندپروری یانگ ریشه‌های والدینی

طرح‌واره‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (شفیلد (Sheffield) و همکاران، ۲۰۰۵). هدف این پرسش‌نامه، ارزیابی سبک‌های فرزندپروری والدین (محرومیت هیجانی، رها شدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری، وابستگی/بی‌کفایتی، نقص/شرم، شکست، اطاعت، ایثارگری، معیارهای سرسختانه، استحقاق/بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری/خود انضباطی ناکافی، گرفتار، منفی‌گرایی، بدبینی، بازداری هیجانی، تنبیه، پذیرش‌جویی/جلب توجه) است.

منجم و همکاران (۱۳۹۲)، خصیصه‌های روان‌سنجی این مقیاس را پس از تحلیل عاملی این گونه نشان دادند که آلفای کرونباخ، با دامنه ۰/۷۰ الی ۰/۹۰ نشان داده شد.

پرسش‌نامه شخصیت خلق و خو (TCI): این پرسش‌نامه، یک مقیاس خودگزارشی است که توسط کلونینجر و همکاران (۱۹۹۳) تدوین گردیده و دارای ۱۲۵ ماده است و به صورت بلی و خیر پاسخ داده می‌شود. این مقیاس، شامل چهار بُعد خلق و خوی و سه بُعد منش مطرح شده در نظریه کلونینجر است. ضرایب همسانی درونی، در نمونه اصلی پرسش‌نامه برای ابعاد خلق و خوی نوجویی، آسیب‌پرهیزی، وابستگی به پاداش و پافشاری به ترتیب، ۰/۷۸، ۰/۸۷، ۰/۷۶ و ۰/۶۵ گزارش شده است. برای ابعاد منشی خودراهبری، همکاری و خودفراروی نیز به ترتیب، ۰/۸۶، ۰/۸۹ و ۰/۸۴ گزارش شده است (کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۳). در ایران نیز کاویانی و پورصالح (۱۳۸۴)، ضمن تأیید ساختار پرسش‌نامه ضرایب آلفا برای عوامل خلق و خوی به ترتیب، ۰/۷۲، ۰/۸۰، ۰/۷۳ و ۰/۵۰ و برای ابعاد منشی به ترتیب، ۰/۷۷، ۰/۸۴ و ۰/۷۲ گزارش نموده‌اند. همچنین ضرایب بازآزمایی نیز برای عوامل خلق و خوی به ترتیب، ۰/۸۶، ۰/۸۸، ۰/۷۳ و ۰/۷۹ و برای ابعاد منش به ترتیب، ۰/۸۶، ۰/۹۰ و ۰/۸۶ گزارش شده است.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، چهار پرسش‌نامه به کار رفته در پژوهش از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. بنابراین امکان بررسی متغیرهای مورد سنجش پرسش‌نامه‌ها وجود داشت. سپس، برای تجزیه تحلیل داده‌ها ابتدا همبستگی میان متغیرهای پژوهش محاسبه شد. جدول پیوست ۱، ماتریس همبستگی دو به دو این متغیرها را نشان می‌دهد.

در گام دوم تحلیل، برای آزمون مدل مفهومی از روش معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. شکل ۱، روابط ساختاری متغیرهای اختلال شخصیت ضداجتماعی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های فرزندپروری و خلق و خو را نشان می‌دهند. در این بخش، برازش مدل‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در

این پژوهش، چهار بعد از ویژگی‌های سرشتی خلق و خو، سه زیرمقیاس شخصیت ضد اجتماعی و پنج حوزه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و فرزندپروری به عنوان نشان‌گر متغیرهای مکنون وارد تحلیل شده‌اند.

یافته‌های مربوط به پرسش‌نامه اختلال شخصیت ضد اجتماعی

در جدول ۳، میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان شرکت‌کننده در سه زیرمقیاس ضد اجتماعی پرسش‌نامه MCMI_III و نمره کل ارائه شده است.

جدول ۳. ویژگی‌های توصیفی نمره کل مقیاس ضد اجتماعی و زیرمقیاس‌های آن

بیشینه	کمینه	SD	M	زیرمقیاس
۱۶	۴	۱/۰۲	۷/۰۸	تکانش‌گری
۱۱	۵	۱/۱۶	۷/۵۶	مکانیزم‌های دفاعی
۱۹	۸	۱/۳۷	۱۱/۹۸	بی‌مسئولیتی بین‌فردی (اجتماعی)
۴۶	۱۷	۳/۵۵	۲۶/۶۲	نمره کل مقیاس ضد اجتماعی

یافته‌های مربوط به پرسش‌نامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

برای آگاهی از میانگین عملکرد و پراکندگی نمرات آزمودنی‌ها در هر یک از متغیرها، شاخص‌های میانگین، انحراف استاندارد شرکت‌کننده در پنج حوزه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و نمره کل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. ویژگی‌های توصیفی نمره کل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و حوزه‌های طرح‌واره‌ای

بیشینه	کمینه	SD	M	حوزه
۱۳۶	۲۵	۲۰/۳۲۵	۶۱/۲۷۵	محدوده بریدگی و طرد
۹۸	۲۰	۳۷/۱۵	۲۳/۳۹	خودگردانی و عملکرد مختل
۵۶	۱۰	۸/۴۷۵	۳۱/۶۵	محدودیت‌های مختل
۸۸	۱۰	۹/۲۳	۳۳/۳۸	بازداری و فزون‌گوش‌بهنزنگی
۵۴	۱۰	۷/۵۵	۲۸/۱۸۵	دیگر جهت‌مندی
۳۷۴	۸۰	۸۲/۸۳	۱۷۷/۸۸	نمره کل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

یافته‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری

در جدول ۵، میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان شرکت‌کننده در پنج حوزه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و نمره کل ارائه شده است.

جدول ۵. ویژگی‌های توصیفی نمره کل سبک‌های فرزندپروری و حوزه‌های طرح‌واره‌ای آن

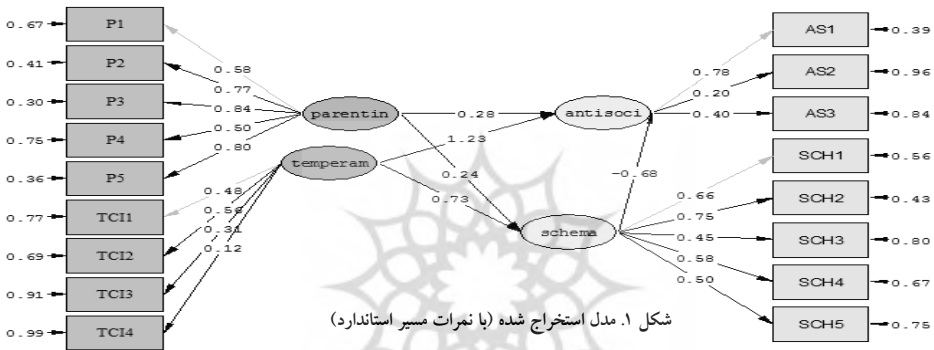
بیشینه	کمینه	SD	M	حوزه
۷۹	۱۷	۷/۰۵	۴۰/۰۸۲	محدوده بریدگی و طرد
۷۵	۱۵	۹/۷۵	۳۹/۴۹۵	خودگردانی و عملکرد مختل
۴۵	۸	۶/۴	۱۸/۸	محدودیت‌های مختل
۱۱۴	۲۰	۱۴/۹۲۵	۶۰/۰۷	بازداری و فزون‌گوش‌بهنزنگی
۸۲	۱۲	۸/۲۲	۳۲/۱۰۲	دیگر جهت‌مندی
۳۹۵	۷۲	۴۶/۳۴۵	۱۹۰/۵۴۹	نمره کل سبک‌های فرزندپروری

یافته‌های مربوط به پرسش‌نامه خلق‌وخو

در جدول ۶، میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان شرکت‌کننده در چهار زیرمقیاس ویژگی‌های سرشتی پرسش‌نامه خلق‌وخو و نمره کل ارائه شده است.

جدول ۶. ویژگی‌های توصیفی نمره کل خلق‌وخو و زیرمقیاس‌های آن

بیشینه	کمینه	SD	M	زیرمقیاس
۳۹	۲۱	۲/۷۵	۲۷/۸۹	نوجونی
۴۴	۲۰	۲/۵۲	۲۷/۴	آسیب‌پذیری
۲۸	۱۷	۲/۰۲	۲۱/۷	پاداش - وابستگی
۱۰	۵	۱/۴۶	۷/۱۸	پشتکار (سماجت)
۱۰۴	۶۹	۵/۹۵	۸۴/۲	نمره کل پرسش‌نامه خلق‌وخو



جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل ساختاری

SRM	RMSE	AGF	GFI	IFI	NFI	CFI	Chi/df	DF	χ^2	P
۰/۰۵۳	۰/۰۶	۰/۹۰	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۵	۲/۳۸۸	۱۰۳	۲۴۶/۰۱	۰/۱۰۰۰

نمرات برازش مدل مطلوب و قابل قبول هستند ($GFI=۰/۹۳$ ، $AGFI=۰/۹۰$ ، $CFI=۰/۹۵$ و $RMSEA=۰/۰۶$)، اما با توجه به معنادار نبودن نمره ($\beta=-۰/۶۸$ و $t=-۱/۴۰$)، قادر به تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی از طریق میانجی‌گری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نیست. بنابراین، مدل پیشنهادی که بر اساس نظریه یانگ در بخش تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی از طریق میانجی‌گری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رد شد. مدل در بخش تبیین مستقیم اختلال شخصیت ضداجتماعی، توسط سبک‌های فرزندپروری و ابعاد خلق‌وخو تأیید شد.

اثرات متغیرهای پژوهش بر یکدیگر

اثرات مستقیم (ضرایب بتا و گاما)، غیرمستقیم، اثر کل و میزان نمرات t متغیرهای پژوهش بر یکدیگر در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸ اثرات مستقیم، غیرمستقیم، اثر کل و میزان نمرات t متغیرهای پژوهش

از	به	مقدار t	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
سبک‌های فرزندپروری	اختلال شخصیت ضداجتماعی	۲/۳۱	۰/۲۸	-۰/۱۶	۰/۱۲
خلق و خو	اختلال شخصیت ضداجتماعی	۲/۳۲	۱/۲۳	-۰/۵۰	۰/۷۳
طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	اختلال شخصیت ضداجتماعی	-۱/۴۰	-۰/۶۸	-	۰/۶۸
سبک‌های فرزندپروری	طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	۲/۷۸	۰/۲۴	-	۰/۲۴
خلق و خو	طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	۵/۰۴	۰/۷۳	-	۰/۷۳

در اولین قسمت از مدل، متغیر برون‌زای اول؛ یعنی سبک‌های فرزندپروری، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را تحت تأثیر خود قرار داده است و با آن رابطه مثبت و معنادار داشت ($t=۲/۷۸$ و $\gamma=۰/۲۴$). مجذور همبستگی چندگانه آن، $۰/۲۶$ بود که نشانگر تبیین ۲۶ درصدی متغیر طرح‌واره توسط متغیر برون‌زاد سبک‌های فرزندپروری است. متغیر برون‌زای دیگر، ویژگی‌های سرشتی ابعاد خلق و خو بود که آن متغیر هم طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را تحت تأثیر خود قرار داده است و با آن رابطه مثبت و معنادار داشت ($t=۵/۰۴$ و $\gamma=۰/۷۳$). مجذور همبستگی چندگانه آن، $۰/۷۰$ بود که نشانگر تبیین ۷۰ درصدی متغیر طرح‌واره توسط متغیر برون‌زاد خلق و خو است.

در بخش بعدی مدل، متغیر برون‌زاد سبک‌های فرزندپروری به طور مستقیم و معنادار اختلال شخصیت ضداجتماعی را تبیین می‌کرد ($t=۲/۳۱$ و $\gamma=۰/۲۸$). مجذور همبستگی چندگانه آن، $۰/۱۵$ بود که نشانگر تبیین ۱۵ درصدی متغیر اختلال شخصیت ضداجتماعی توسط متغیر برون‌زاد سبک‌های فرزندپروری است. با وجود اینکه، رابطه مستقیم سبک‌های فرزندپروری و اختلال شخصیت ضداجتماعی و سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه معنادار بود، اما برای تبیین سبک‌های فرزندپروری با میانجی‌گری طرح‌واره اختلال ضداجتماعی نمرات معناداری به دست نیامد. متغیر برون‌زاد دیگر، یعنی خلق و خو هم به طور مستقیم اختلال شخصیت را تبیین کرد و نمرات معناداری به دست آمد ($t=۲/۳۲$ و $\gamma=۱/۲۳$). افزون بر اینکه مجذور همبستگی چندگانه آن $۰/۷۲$ بود. این نمره نشانگر تبیین ۷۲ درصدی متغیر اختلال شخصیت ضداجتماعی توسط متغیر برون‌زاد خلق و خو است.

در مدل پیشنهادی اختلال شخصیت ضداجتماعی، متغیر وابسته اصلی و اتای (ETA) نهایی است. علی‌رغم اینکه در مدل نظری انتظار می‌رفت طرح‌واره بتواند این اختلال را تبیین کند، اما آزمون مدل این امر را اثبات نکرد و برخلاف آن قدرت تبیین طرح‌واره تأیید نشد و نمرات به دست آمده معنادار نبود ($t=-۱/۴۰$ و $\beta=-۰/۶۸$).

بنابراین، با توجه به معناداری نمرات به دست آمده در تبیین اختلال شخصیت توسط سبک‌های فرزندپروری و خلق و خو، به طور مستقیم و معنادار بودن نمرات متغیر میانجی (طرح‌واره‌های ناسازگار

اولیه)، مدل مورد نظر فقط در بخش تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی، به وسیله سبک‌های فرزندپروری و خلق‌وخو به طور مستقیم تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، نقش تبیینی سبک‌های فرزندپروری و خلق‌وخو مشخص گردید. بر اساس یافته‌ها، سبک‌های فرزندپروری و ابعاد خلق‌وخو اختلال شخصیت ضداجتماعی را تبیین می‌کنند. ابعاد خلق‌وخو و سبک‌های فرزندپروری، با توجه به معناداری نمرات مسیر، با اختلال شخصیت ضداجتماعی، هر دو به طور مستقیم قادر به تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی هستند. درحالی‌که مدل، با توجه به معنادار نبودن نمره مسیر به دست آمده، قادر به تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی از طریق میانجی‌گری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نیست. این یافته، در بخش میانجی‌گری طرح‌واره‌ها، با برخی پژوهش‌ها بخصوص پژوهش رضاییان (۱۳۹۴)، غلامی زارچ (۱۳۹۲) و نظریه یانگ همسو نیست؛ هر چند در بخش‌های مختلف همان‌طور که در فرضیه‌های قبلی اشاره شد، با پژوهش‌های قبلی همسوست. این موضوع می‌تواند به چند علت باشد:

- ممکن است این عدم معناداری مسیر، به جهت تناظر پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری یانگ و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و همبستگی بالای این دو متغیر با هم باشد.

- ممکن است این مسئله، به جهت عدم روایی پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ باشد. با توجه به تحلیل عامل اکتشافی، که محقق در مورد پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ و روشن شدن این نکته که حوزه‌های اکتشافی متفاوت با حوزه‌های مورد ادعای پرسش‌نامه است، می‌تواند روایی پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ را زیر سؤال ببرد؛ این موضوع در پژوهش رضاییان (۱۳۹۴) و غلامی زارچ (۱۳۹۲) نیز به چشم می‌خورد. به طوری که هر دو پژوهشگر، به دلیل عدم تطبیق عوامل اکتشافی با عوامل ادعایی مواجه شده و در نتیجه فقط دو یا سه حوزه طرح‌واره‌ها را وارد تحلیل نموده‌اند.

- ممکن است این مسئله، به دلیل هنجاریابی نامناسب و یا نادرست پرسش‌نامه در ایران باشد. یا ممکن است ادعای یانگ در مورد سنجش طرح‌واره‌ها و حوزه‌ها، در نمونه‌های مورد آزمون صادق نبوده است.

در تبیین یافته فوق، کاستیل (Castille) و همکاران معتقدند: افرادی که طرح‌واره‌هایشان در حوزه اول (بریدگی و طرد) قرار دارد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند (حقیقت‌منش و همکاران، ۱۳۸۹). چنین افرادی معتقدند: نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد. حتی گاه با استفاده ناهوشیار از سبک مقابله‌ای ناسازگار تسلیم، اقدام به رفتارهای ناسازگارانه می‌کنند و

مسیر رابطه را به شکلی پیش می‌برند که این اعتقاد مورد تأیید قرار بگیرد؛ یعنی این افراد انتظار دارند که نیازهای آنان به مهرورزی، همدلی و در میان گذاشتن احساس‌ها، به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی برآورده نشود (دائمی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰). آنها تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه خودآسیب‌رسان، به رابطه‌ای دیگر پناه ببرند، یا در سبک مقابله‌ای ناسازگار اجتناب، از برقراری روابط بین‌فردی نزدیک، دوری کنند (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۷). افرادی که طرح‌واره‌های آنها در حوزه دوم (خودگردانی و عملکرد مختل) قرار دارد، از خود و محیط اطراف‌شان، انتظاراتی دارند که در توانایی آنها برای تفکیک خود، از نماد والدین و دستیابی به عملکرد مستقل مانع ایجاد می‌کند. از این‌رو، این افراد نمی‌توانند هویت مستقلی در مورد خودشان به دست بیاورند و زندگی خود را بدون دریافت کمک‌های بی‌شائبه دیگران اداره کنند. آنها نمی‌توانند برای خودشان اهداف مشخصی در نظر بگیرند و در مهارت‌های مورد نیاز تبحر پیدا کنند. لذا از نظر کارایی و کفایت در دوران بزرگسالی، مثل یک کودک کم‌سن و سال عمل می‌کنند چسبندگی افراطی این افراد، اغلب طرف رابطه را را منزجر می‌کند و الگوی اجتناب را ایجاد می‌کند. در نتیجه، فرد دارای طرح‌واره، موضوعات یا افرادی خارج از چارچوب تعریف شده و قانونی را برای ارضاء نیازهای طرح‌واره‌ای خود خواهد یافت که بر میزان تعارض‌ها خواهد افزود. حوزه سوم طرح‌واره‌ای (محدودیت‌های مختل)، مشخصه افرادی است که محدودیت‌های درونی آنها در خصوص احترام متقابل و خویش‌داری، به اندازه کافی رشد نکرده است. آنها ممکن است در خصوص احترام به حقوق دیگران، همکاری کردن، متعهد بودن یا دستیابی به اهداف بلندمدت، در زندگی مشکل داشته باشند. افزون بر این، چنین افرادی اغلب خودخواه، لوس، بی‌مسئولیت یا خودشیفته به نظر می‌رسند و توانایی مهار تکانه‌های خود را ندارند و نمی‌توانند ارضای نیازهای آنی خود را برای دستیابی به منافع آتی به تأخیر بیندازند (همان، ص ۴۲).

در تبیینی دیگر می‌توان گفت: طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به دلیل قدمت و عمق‌شان، مانند یک فیلتر عظیم و پیچیده بر سر راه اطلاعات ورودی و همچنین، اطلاعات موجود عمل می‌کند و با سرند، دسته‌بندی و سازمان‌دهی، شکل‌گیری معانی جدید را در ذهن شدنی می‌سازد. بدین ترتیب، یادگیری نیز گزینشی و همنوا با طرح‌واره‌ها رخ خواهد داد. از جمله این اطلاعات، چارچوب‌های قانونی و اجتماعی است. برای نمونه، فردی که طرح‌واره‌هایی در حوزه بریدگی و طرد دارد، چارچوب‌های قانونی و اجتماعی را نیز از دریچه طرح‌واره‌ها می‌بیند. او ضمن بازخورد منفی‌ای که از خود و محیط می‌گیرد، هرگونه ناملاطمتی را نشانه طرد شدگی توسط افراد دیگر تلقی خواهد نمود. از این‌رو، کارکرد اجتماع در مورد چنین فردی مختل شده، هیجان منفی بیشتری نسبت به فرد مسائل قانونی و اجتماعی

تجربه خواهد نمود. این هیجان، در رفتارهای فردی و بین‌فردی (از جمله رعایت چارچوب‌های اجتماعی و قانونی) بروز بیشتری خواهد داشت. ضمن اینکه، این افراد چون اعتمادی به دیگران، اجتماع و قانون ندارد، همواره به دنبال دور زدن قانون، تحمیل نظر خود بدون هیچ احساس ندامت و پشیمانی، در صدد برآوردن نیازهای خود هستند.

همچنین، هنگامی که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه فعال می‌شوند، سطوحی از هیجان منتشر شده و مستقیم یا غیرمستقیم، منجر به اشکال مختلفی از آشفتگی‌ها نظیر افسردگی، اضطراب و تعارض‌های بین‌فردی می‌شوند (یوسف‌نژاد و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰). آنها به واسطه ارتباط و تأثیری که بر سبک دلبستگی می‌گذارند، می‌توانند منجر به اختلال‌های شخصیت و اختلال‌های خلق گردند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹).

در تبیین یافته بخش طرح‌واره، سبک‌های فرزندپروری و اختلال شخصیت ضداجتماعی، یانگ و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند: افرادی که در حوزه خودگردانی و عملکرد مختل قرار می‌گیرند، طرح‌واره‌هایی با مضامین وابستگی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خود تحول نیافتگی و شکست دارند. طرح‌واره‌های این حوزه، معمولاً در خانواده‌هایی به وجود می‌آیند که اعتماد به نفس کودک را کاهش می‌دهند، گرفتارند، بیش از حد محافظت می‌کنند و یا نمی‌توانند کودک را به کارهای بیرون از خانه تشویق کنند.

این ویژگی‌ها، با دو عامل مراقبت و بیش مراقبت‌گری والدین قابل تبیین است. *بالبی* در تئوری دلبستگی معتقد است: والدین باید: حس امنیت در کودک به وجود آورند؛ با تکیه بر این حس ایمنی، کودک را به رفتار اکتشافی تشویق کنند. اما کودکان والدین بیش کنترل‌گر این احساس امنیت را نمی‌کنند؛ چرا که توجه کافی، واقعی و اصیل را دریافت نکرده‌اند و توجه والدین بدون توجه به نیاز کودک است. این بیش کنترل‌گری والدین، مانعی بر سر راه رفتارهای اکتشافی کودک است (الفسفوس، ۲۰۰۹، ص ۱۵). در نتیجه، تحول سالم در کودک با مشکل مواجه می‌شود. در خانواده‌هایی که به جای انضباط و محدودیت منطقی، سهل‌انگار هستند، کودک در معرض شکل‌گیری طرح‌واره‌های حوزه عملکرد محدودیت مختل قرار می‌گیرد. همچنین خانواده‌هایی که در آنها عصبانیت، توقع و گاهی اوقات تنبیه مشاهده می‌شود و به آرامش اهمیت داده نمی‌شود، کودک مستعد قرار گرفتن در طرح‌واره حوزه فزون‌گوش‌به‌زنگی می‌شوند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۳۳).

در حوزه طرد و بریدگی، طرح‌واره‌هایی با مضامین رها شدگی، بی‌اعتمادی، محرومیت هیجانی، نقص و شرم و انزوای اجتماعی قرار دارد. افرادی که در این حوزه قرار می‌گیرند، احساس می‌کنند افراد مهم زندگی آنها حمایت عاطفی لازم را به آنها نمی‌دهند و نوعی، بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی نسبت به محبت و برقراری ارتباط با دیگران در آنها شکل می‌گیرد. در نتیجه، از لحاظ هیجانی، بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی

هستند. خانواده این افراد، معمولاً دارای والدینی بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو و غیرقابل پیش‌بینی است. در این شرایط، نیازهای فرد به امنیت، ثبات، همدلی، محبت، در میان گذاشتن احساسات، پذیرش و احترام به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی ارضاء نمی‌شود (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی بودن فرد، از لحاظ هیجانی و مواردی مانند احساس نقص و بی‌ارزشی، حساسیت به انتقاد و سرزنش، نیاز به اثبات خود، امنیت، ثبات و همدلی، همگی از مشخصه‌های اختلال شخصیت خوشه B، بخصوص اختلال ضداجتماعی است که در این حوزه طرح‌واره قرار می‌گیرد.

کلونینجر (۲۰۰۶) در مورد تبیین یافته‌های بخش ابعاد خلق و خو، اختلال شخصیت ضداجتماعی معتقد است: تعامل سه نظام مستقل ژنتیکی، عصبی و زیست‌شناختی در سلسله اعصاب مرکزی، شامل نظام‌های فعال‌ساز، بازداری و نگهداری رفتاری، الگوهای منحصر به فردی از پاسخ رفتاری به تجارب نو را پدید می‌آورند. این الگوهای پاسخ، موجب ابتلای به اختلال شخصیت و اختلالات دیگر نظیر الکلیسم و اعتیاد جنسی می‌شود (آدامز و همکاران، ۲۰۰۳). در همین زمینه، نوجویی به عنوان یکی از این الگوهای پاسخ سرشتی، با تحریک‌جویی، افراط، تکانش‌گری و بی‌نظمی مرتبط است. افراد با نوجویی بالا، تمایل به تغییرات خلقی سریع، رفتارهای هیجانی، کاوشگری و کنجکاوی دارند. چنین افرادی، مشتاق تغییرات هستند، به آسانی حوصله‌شان سر می‌رود، در کنترل خود ناتوان بوده و در تصمیم‌گیری‌ها تکانشی و غیرمنطقی عمل کرده و در نتیجه، گرایش به سوی رفتارهای پرخطر جنسی پیدا می‌کنند (بیرامی و اسمعیلی کورانه، ۱۳۹۱؛ ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۹۲).

به اعتقاد زاکرمن (۱۹۷۹)، کلارک و همکاران (۱۹۹۹) نیز نیاز به برانگیختگی یا هیجان‌خواهی سرشتی، همان تمایل ذاتی برای جست‌وجوی تجارب جدید و اشتیاق زیاد برای خطر کردن است که افراد دارای آن بیشتر الکل می‌نوشند و رفتارهای ضداجتماعی دارند. از این رو، آپتر (۱۹۹۴)، رفتارهای پرخطر را ناشی از نیاز به برانگیختگی و به تبع آن، متأثر از ابعاد خلق و خو هیجان‌خواهی می‌داند. سپدرز و همکاران (۲۰۰۹) نیز با بررسی نقش مزاج شخصیتی در گرایش به رفتارهای پرخطر دانشجویان، تأیید کردند که هیجان‌خواهی سرشتی بالا، موجب افزایش گرایش به مصرف مشروب و مواد می‌شود. همچنین، هویل و همکاران (۲۰۰۰) در فراتحلیل ۵۳ مطالعه دریافتند که رفتارهای پرخطر، با ویژگی‌های سرشتی شخصیتی نظیر تکانش‌گری و هیجان‌خواهی رابطه دارد.

با توجه به اینکه، آزمودنی‌های این مطالعه از جمعیت غیربالینی انتخاب شده بودند، درحالی‌که مدل‌های علی (ساختاری) با هدف ارائه مدل جهت مداخلات بالینی صورت می‌پذیرد و علی‌رغم اینکه، یافته‌های این پژوهش از مدل مفهومی ارائه شده از یانگ، در تبیین اختلال شخصیت ضداجتماعی از طریق میانجی‌گری

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و بر اساس سبک‌های فرزندپروری و ابعاد خلق‌وخو حمایت نکرد، اما از تبیین این اختلال به‌طور مستقیم از طریق سبک‌های فرزندپروری، خلق‌وخو و ابعاد خلق‌وخو حمایت کرد. این به این معناست که در مداخلات بالینی، از طریق هر یک از این سه متغیر، می‌توان مداخله کرد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند در پیشگیری و مداخلات درمانی در جامعه دانشجویان قم ارزشمند باشد. این پژوهش، می‌تواند مبنای پژوهش‌های دیگر در حوزه اختلال شخصیت، طرح‌واره، فرزندپروری، ابعاد خلق‌وخو باشد. علاوه بر این، این پژوهش با توجه به اینکه یک مدل علی است، توان قرار گرفتن در مبنای نظریه‌پردازی روان‌شناختی و پژوهش در حیطه منابع دینی مرتبط را داراست. انجام پژوهش در جوامع و نمونه‌های دیگر، بر تعمیم‌پذیری مدل ارائه شده خواهد افزود. این پژوهش، در جامعه دانشجویان صورت پذیرفته و از نظر تعمیم محدودیت دارد.

پیوست‌ها

جدول ۱: همبستگی بین متغیرهای ورودی به تحلیل

	(AS) تکانش‌گری	(AS) مکانیزم‌های دفاعی	(AS) بی‌مسئولیتی	(YSQ) طرد	(YSQ) عملکرد مختل	(YSQ) محدودیت مختل	(YSQ) دیگر جهت‌مندی	(YSQ) گوش‌به‌زنگی	(YPI) طرد	(YPI) عملکرد مختل	(YPI) محدودیت مختل	(YPI) دیگر جهت‌مندی	(YPI) گوش‌به‌زنگی	(TCI) نوجویی	(TCI) آسیب‌پذیری	(TCI) پاداش وابستگی	(TCI) سماجت
تکانش‌گری (AS)	۱																
مکانیزم‌های دفاعی (AS)	۰۰۹۰	۱															
بی‌مسئولیتی (AS)	۰۶۸۳	۰۱۷۳	۱														
طرد (YSQ)	۰۱۷۹	۰۰۶۲	۰۱۲۸	۱													
عملکرد مختل (YSQ)	۰۱۷۹	۰۰۲۵	۰۰۷۹	۰۵۲۳	۱												
محدودیت مختل (YSQ)	۰۰۲۱	۰۲۸۰	۰۱۱۶	۰۲۵۵	۰۱۵۲	۱											
دیگر جهت‌مندی (YSQ)	۰۰۵۴	۰۰۲۵	۰۰۳۰	۰۲۷۰	۰۴۳۳	۰۲۷۰	۱										
گوش‌به‌زنگی (YSQ)	۰۰۳۳	۰۰۵۹	۰۰۵۵	۰۲۶۰	۰۳۵۵	۰۳۹۵	۰۲۹۸	۱									
طرد (YPI)	۰۱۲۸	۰۰۳۲	۰۱۲۵	۰۲۷۳	۰۲۳۰	۰۰۷۲	۰۱۹۰	۰۰۹۶	۱								
عملکرد مختل (YPI)	۰۱۰۷	۰۰۶۴	۰۱۱۷	۰۲۹۳	۰۲۶۹	۰۱۵۴	۰۲۲۱	۰۲۰۹	۰۲۸۷	۱							
محدودیت مختل (YPI)	۰۱۹۳	۰۱۴۶	۰۱۷۹	۰۳۳۷	۰۳۳۳	۰۲۸۶	۰۲۳۳	۰۲۴۲	۰۲۸۳	۰۶۴۵	۱						
دیگر جهت‌مندی (YPI)	۰۱۷۵	۰۱۳۳	۰۲۱۹	۰۲۲۵	۰۱۹۱	۰۲۸۳	۰۱۸۷	۰۱۷۰	۰۲۷۵	۰۲۱۳	۰۳۹۱	۱					
گوش‌به‌زنگی (YPI)	۰۱۲۴	۰۱۴۱	۰۱۴۸	۰۲۶۸	۰۲۹۲	۰۳۰۹	۰۲۱۲	۰۲۸۳	۰۲۲۵	۰۵۹۷	۰۶۸۵	۰۴۱۵	۱				
نوجویی (TCI)	۰۲۹۷	۰۰۹۹	۰۲۵۵	۰۱۷۳	۰۲۳۰	۰۲۴۰	۰۲۱۶	۰۰۷۲	۰۱۴۵	۰۱۷۹	۰۲۰۳	۰۱۲۶	۰۱۹۱	۱			
آسیب‌پذیری (TCI)	۰۲۱۰	۰۰۱۵	۰۱۲۴	۰۲۷۰	۰۴۵۰	۰۱۵۳	۰۲۶۴	۰۲۶۲	۰۱۵۸	۰۲۵۷	۰۱۹۳	۰۱۴۴	۰۱۶۹	۰۲۲۹	۱		
پاداش وابستگی (TCI)	۰۰۲۳	۰۰۸۲	۰۰۸۵	۰۰۸۷	۰۱۵۶	۰۱۶۹	۰۲۸۳	۰۱۰۲	۰۰۵۶	۰۰۲۸	۰۰۶۵	۰۰۲۰	۰۱۲۵	۰۱۲۷	۰۱۷۱	۱	
سماجت (TCI)	۰۱۰۲	۰۰۸۲	۰۰۴۱	۰۰۰۹	۰۰۶۲	۰۰۳۲	۰۰۵۲	۰۱۸۱	۰۰۱۷	۰۱۶۰	۰۱۱۷	۰۰۵۴	۰۱۰۳	۰۱۰۴	۰۰۵۵	۰۱۲۷	۱

منابع

- ابوالقاسمی، عباس و همکاران، ۱۳۹۲، «مقایسه سرشت و منش در افراد معتاد به مواد مخدر و غیرمعتاد»، *اعتیاد پژوهی*، دوره هفتم، ش ۲۷، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- اتکینسون، ریتا و همکاران، ۱۳۷۸، *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، تهران، رشد.
- احمدی، علی اصغر، ۱۳۸۷، *روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی*، چ ششم، تهران، امیرکبیر.
- آهی، قاسم و همکاران، ۱۳۸۶، «پایایی و اعتبار فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره‌های یانگ»، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال سی و هفتم، ش ۳، ص ۵-۲۰.
- برک، لورا، ۱۳۸۷، *روان‌شناسی رشد (از لجاج تا کودکی)*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران.
- بیرامی، منصور و احمد اسمعیلی کورانه، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه بین ریشه‌های تحولی (شیوه‌های فرزندپروری) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی - طرد، خودگردانی و عملکرد مختلدر مدل طرح‌واره یانگ»، *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، سال هفتم، ش ۲۸، ص ۷۱-۸۸.
- بیرامی، منصور و آیدا عبدالله‌زاده جدی، ۱۳۹۱، «مطالعه مبتنی بر مدل کلونینجر: مقایسه عامل‌های سرشت و منش اقدام‌کنندگان به خودکشی با افراد بهنجار»، *اصول بهداشت روان*، دوره چهاردهم، ش ۵۶، ص ۴۳-۳۳۶.
- چلبی، مسعود و توران روزبهنی، ۱۳۸۰، «نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ش ۲۹، ص ۹۵-۱۳۲.
- حقیقت‌منش، الهه و همکاران، ۱۳۸۹، «طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد طرح‌واره تجاوزگران جنسی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۶۱، ص ۱۴۵-۱۵۳.
- دائمی، فاطمه و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۹۰، «تأثیر سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت خود کودکان»، *علوم رفتاری*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۶۵-۱۷۲.
- ذوالفقاری، مریم و همکاران، ۱۳۸۷، «تعیین رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین»، *خانواده‌پژوهی*، سال چهارم، ش ۳، ص ۲۴۷-۲۶۱.
- ربر، آرتور اس، ۱۳۹۰، *فرهنگ روان‌شناسی توصیفی*، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران، رشد.
- رضائیان، حسین، ۱۳۹۴، *مدل معادلات ساختاری برای تبیین تنوع‌طلبی جنسی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه*، *سبک‌های فرزندپروری و سرشت و منش*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- سرمه، زهره و همکاران، ۱۳۹۳، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگه.

شاملو، سعید، ۱۳۸۲، **مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت**، چ هفتم، تهران، مرکز نشر و پخش کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی.

شریفی، علی اکبر، ۱۳۹۱، **راهنمای ام سی ام آی (میلون ۳)**، چ سوم، تهران، روان‌سنجی.

شهامت، فاطمه و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه»، **مطالعات تربیتی و روان‌شناسی**، دوره یازدهم، ش ۲، ص ۲۳۹-۲۵۴.

صدوقی، زهره و همکاران، ۱۳۸۷، «تحلیل عاملی نسخه کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ در نمونه غیربالیینی ایرانی»، **روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران**، سال چهاردهم، ش ۲، ص ۲۱۴-۲۱۹.

غلامی زارچ، مرتضی، ۱۳۹۲، **مدل ساختاری تبیین اختلال شخصیت مرزی بر اساس سبک‌های فرزندپروری، ویژگی‌های سرشتی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

فتحی آشتیانی، علی، ۱۳۸۹، **آزمون‌های روان‌شناختی (ارزیابی شخصیت و سلامت روان)**، چ چهارم، تهران، روان. کویانی، حسین و مهرانگیز پورناصح، ۱۳۸۴، «اعتباریابی و هنجارسنجی پرسش‌نامه سرشت و منش کلونینجر TCI در جمعیت ایرانی»، **مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران**، سال شصت و سوم، ش ۲، ص ۸۹-۹۸.

منجم، عارفه و همکاران، ۱۳۹۲، «مقایسه حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزندپروری و تله‌های زندگی زنان مطلقه با عادی»، **علوم رفتاری**، سال هفتم، ش ۲، ص ۹۳۳-۹۴۲.

موسوی، سیدرضا و غلامرضا متقی فر، ۱۳۹۰، «شخصیت سالم در اندیشه اسلامی، نگاهی به رابطه آن با نماز در دوران جوانی»، **پژوهش‌های تربیتی**، سال سوم، ش ۲، ص ۹۹-۱۲۳.

میرز، لاورنس.اس و همکاران، ۱۳۹۱، **پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر)**، ترجمه حسن پاشاشریفی و همکاران، تهران، رشد.

یانگ، جفری و همکاران، ۱۳۹۱، **طرح‌واره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی)**، ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز، تهران، ارجمند.

یانگ، جفری، ۱۳۸۴، **شناخت درمانی اختلالات شخصیت، رویکرد طرح‌واره محور**، ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور، تهران، آگاه.

یوسف‌نژاد شیروانی، مانده و مهرانگیز پیوسته‌گر، ۱۳۹۰، «رابطه رضایت از زندگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان»، **دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی**، سال دوازدهم، ش ۲، ص ۵۵-۶۵.

یوسفی، رحیم و همکاران، ۱۳۸۹، «اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرح‌واره‌ها در ارتقا رضایت زناشویی»، **روان‌شناسی بالینی**، سال دوم، ش ۷، ص ۲۵-۳۷.

- Adams, J. B, et al, 2003, Relationships between personality and preferred substance and motivations for use among adolescent substance abusers, *The American Journal of Drug and Alcohol Abuse*, v. 29, p. 691-712.
- Alfasfos, L, 2009, The Early Maladaptive Schemas and their Correlations with the Psychiatric Symptoms and the Personality Accentuations for Palestinian Students, Submitted to the Psychology Faculty of Hamburg University in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Apter, D, 1994, From dream to reality: A participant's view of the implementation of Part H of P.L. 99-457, *Journal of Early Intervention*, v. 18(2), p. 131-140.
- Baranoff, J, et al, 2006, Factor Structure and Internal Consistency of the Young Schema Questionnaire (Short Form) in Korean and Australian Samples, *Journal of Affective Disorders*, v.93, p. 133-140.
- Cecero, J, et al, 2004, Tools and Tenets of schema Therapy: Toward the construct validity of Early maladaptive schema Questionnaire – Research Version (EMSQ – RV), *Clinical psychology and psychotherapy*, v. 11, p. ۳۴۴-۳۵۷.
- Cyders MA, et al, 2009, The role of personality dispositions to risky behavior in predicting first-year college drinking, *Addiction*, v. 104 (2), p. 193-202.
- Clark, L. A, et al, 1999, *Temperament: A new paradigm for trait psychology*, In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), *Handbook of personality* (2nd. ed., pp. 399-423), New York, Guilford Press.
- Cloninger, C.R, 2006, The science of well-being: an integrated approach to mental health and its disorders, *World Psychiatry*, v. 5(2), p. 71-76.
- Cloninger, C. R, 2005, Personality disorders. In B. J. Sadock. V. A. Sadock (Eds.), *Comprehensive textbook of psychiatry* (Eight Edition, pp. 2063-2105). Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins.
- Cloninger CR, et al, 1993, A psychobiological model of temperament and character, *Arch Gen Psychiatry*, v. 50 (12), p. 975-990.
- Cyders MA, et al, 2009, The role of personality dispositions to risky behavior in predicting first-year college drinking, *Addiction*, v. 104(2), p. 193-202.
- Etter, J. F, et al, ۲۰۰۳, Association between smoking and heritable temperament traits, *Nicotine & Tobacco Research*, v. ۵ (۳), p. ۴۰۱-۴۰۹.
- Evren, C, et al, 2007, Temperament and character model of personality profile of alcohol- and drug dependent inpatients, *Comprehensive Psychiatry*, v. 48, p. 283-288.
- Fazel, S, & Danesh, J, 2002, *Serious mental disorder in 23000 prisoners: A system review of ۶۲* □□□□□□□□, □□□□□□: □□□ □□□□.
- Gannon, T. A, et al, 2006, Do child molesters hold distorted beliefs? What does their memory recall tell us? *Journal of Sexual Aggression*, v. 12, p. 5-18.
- Hoyle RH, et al, 2000, Personality and sexual risk taking: a quantitative review, *Journal of Personality Dec*, v. 68, p. 1203-1231.
- Jacquin, K. M, 1997, *The effects of maladaptive schemata on information processing*, Unpublished doctoral dissertation, The University of Texas at Austin.
- Moffitt, T.E, 2005, The new lock of behavioral genetics in developmental psychopathology: Gene-environment interplay in antisocial behavior, *Psychological Bulletin*, v. 131, p. 533-554.
- Nee, C, & Farman, S, 2005, Female prisoners with borderline personality disorder: Some promising treatment developments, *Criminal Behavior and Mental Health*, v. 15 (1), p. 2-16.

- Nordahl, H.M, et al, 2005, Early Maladaptive Schemas in Patients with or without Personality Disorders: Dose Schema Modification Predict Symptomatic Relief? *Clinical Psychology & Psychotherapy*, v. 12, p. 142-149.
- Pomerleau, C. S, et al, 1992, Relationship of Tridimensional Personality Questionnaire scores and smoking variables in female and male smokers, *Journal of Substance Abuse*, v. ۴(۲), p. ۱۴۳-۱۵۴.
- Rijkeboer, M.M, & Van Den Bergh, H, 2006, Multiple Groups Confirmatory Factor Analysis of the Young Schema-Questionnaire in a Dutch Clinical Versus Non-clinical Population, *Journal of Cognitive Therapy and Research*, v. 30(3), p. 263-278.
- Sanders, M. R, 2002, Parenting interventions and the prevention of serious mental health problems in children, *The Medical Journal of Australia (MJA)*, v. 177, p. 87-92.
- Schmidt, N.B, et al, 1995, The Schema Questionnaire: Investigation of Psychometric Properties and the Hierarchical Structure of a Measure of Maladaptive Schemas, *Journal of Cognitive Research and Therapy*, v. 19, p. 295-321.
- Sheffield, A, et al, 2005, Links between parenting and core beliefs: Preliminary psychometric validation of the Young Parenting Inventory, *Cognitive Therapy and Research*, v. ۲۹, p. ۷۸۷-۸۰۲.
- Skodol A, et al, 2011, Proposed changes in personality and personality disorder assessment and diagnosis for DSM-5part I: *description and rationale J Abnormal Psychol*, v. 2(1), p. 4-22.
- Steinberg, L, et al, 1994, Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families, *Child Development*, v. ۶۵, p. ۷۵۴-۷۷۰.
- Svrakik, D. M, et al, 2002, Temperament, character and personality disorders: Etiologic, diagnostic, treatment issues, *Acta Psychiatrica Scandinavia*, v. 106, p. 189-195.
- Switzer, I, 2006, Early maladaptive schemas predict risky sexual behaviors, Unpublished thesis masters. Mississippi State University.
- Timmerman, I. G. H, & Emmelkamp, P. M. G, 2006, The relationship between attachment styles and cluster B personality disorders in prisoners and forensic inpatients, *International Journal of Law and Psychiatry*, v. 29, p. 48-56.
- Ward, T, et al, 2006, An integrated theory of sexual offending, *Aggression and Violent Behavior*, v. 11, p. 44-63.
- Welburn, K, et al, 2002, The schema questionnaire-short form: factor analysis and relationship between schemas and symptoms, *Cognitive Therapy and Research*, v. 26(4), p. 519-530.
- Wright MO, et al, 2009, Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college students: the mediating role of maladaptive schemas, *Child Abuse Neglect. International Journal*, v. 33, p. 246-282.
- Young, J. E, & Brown, G, 1994, Young schema questionnaire: A schema-focused approach, *Cognitive Therapy for Personality Disorders*, Sarasota, LF, professional resource press, p. 63-76.
- Young, J. E, et al, 2003, Schema Therapy: A Practitioners Guide, *Journal of Psychosomatic*, v. ۵۷, p. ۱۱۳-۱۱۶.
- Young, J. E, et al, 2003, *Schema therapy: Practitioners guide*, New Yourk.
- Zuckerman, M, 1979, *Sensation seeking: Beyond the optimal level of arousal*, Hillsdale, NJ: Erlbaum.